

## روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت ملی اقوام در ایران

تحلیلی ثانویه بر داده‌های یک پیمایش ملی

علی یوسفی\*

### چکیده:

تراکم و قرینگی روابط بین قومی در حوزه‌های تعاملی اقتصاد، سیاست، فرهنگ و اجتماع، تعلق و وفاداری اقوام را به اجتماع ملی تقویت می‌کند. مقاله حاضر با استناد به داده‌های تجربی، فرضیه مذکور را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. نتایج حاصله نشان می‌دهد که با افزایش همکاری‌های بین قومی؛ که از ترکیب سه نوع رابطه فکری، عاطفی و معیشتی اقوام حاصل می‌شود؛ تعلق و وفاداری اقوام به اجتماع ملی افزایش پیدا می‌کند و درمقابل، با افزایش تعارضات و خصومت‌های قومی، تعلق و وفاداری اقوام به اجتماع ملی تضعیف می‌گردد.

**کلید واژه‌ها:** هویت قومی، هویت ملی، روابط بین قومی

**مقدمه**

از جمله مسائل اساسی در جوامع چند قومی همواره این بوده است که "اجتماعات قومی" چگونه باید با یکدیگر پیوند بخورند تا یک "اجتماع ملی" فراگیر و پایدار شکل بگیرد. انسجام و یکپارچگی ملی در چنین جوامعی از یک سو متأثر از کم و کیف روابط بین اقوام و از سوی دیگر متأثر از روابط "دولت - قوم" است که در تشکیل دولت ملی<sup>۱</sup> ظهور پیدا می‌کند. در حالت اخیر، پیوند اجتماعات قومی با دولت ملی و چگونگی اتخاذ سیاست‌های قومی، ضمانتی برای یکپارچگی ملی محسوب می‌شود. اما در حالت نخست، یکپارچگی ملی در سایه پیوند و همگرایی اقوام شکل می‌گیرد و این پیوندها می‌تواند جدا از مناسبات اقوام با دولت ملی استمرار داشته باشد. چنانچه رویکرد "دولت - قوم" را رویکرد سیاسی در فرایند همگرایی تلقی کنیم، رویکرد "قوم - قوم" را می‌بایست رویکرد اجتماعی بدانیم که در آن نقش روابط اجتماعی اقوام برجستگی زیادی پیدا می‌کند. مقاله حاضر با چنین رویکردی تنظیم گردیده و درصدد است با استناد به داده‌های تجربی نشان دهد که:

۱- کم و کیف روابط بین قومی در ایران چگونه است؟

۲- تعلق و وفاداری اقوام به اجتماع ملی (هویت ملی) چه اندازه است؟

۳- روابط بین قومی چه اثری بر هویت ملی قوام دارد؟

مطالبی که در مقاله حاضر مبنای تحلیل ثانویه قرار گرفته، از داده‌های یک پیمایش برگرفته شده که در سال ۱۳۷۷ تحت عنوان "هویت‌های قومی و رابطه آن با هویت ملی" در مناطق قومی کشور به انجام رسیده است. (۱) با الهام از چارچوب مفهومی پیمایش مذکور، مفاهیم اصلی مقاله تعریف می‌گردند و پس از بیان فرضیه یا ادعای اساسی مقاله، نتایجی که از آزمون آن به دست آمده (یافته‌ها) ارائه می‌شود.

**۱- تعریف مفاهیم**

مقاله حاضر با تکیه بر چند مفهوم علمی شامل: "قوم، رابطه بین قومی، تراکم روابط بین

قومی، قرینگی روابط بین قومی، پرستیژ قومی و هویت ملی "تدوین گردیده است که ذیلاً تعریف این مفاهیم ارائه می‌شوند:

### ۱-۱- قوم

"قوم" اجتماعی از افراد است که دارای "منشأ مشترک" (اعم از واقعی یا خیالی)، "سرنوشت مشترک"، "احساس مشترک" و "انحصار نسبی منابع ارزشمند مشترک" (پاداش، زور، احترام و معرفت) می‌باشند و در ارتباط با سایر گروه‌ها و اقوام و براساس رموز و نمادهای فرهنگی مشترک در یک میدان تعامل درون گروهی با کسب هویت جمعی، مبدل به "ما" شوند. (۲)

براساس تعریف مذکور، قومیت یک پدیده فرهنگی - اجتماعی است و اقوام نیز براساس تفاوت‌های فرهنگی (نمادها، ارزش‌ها، هنجارها و مناسک) و اجتماعی (خصوصیات رابطه‌ای) از یکدیگر متمایز می‌شوند.

### ۱-۲- رابطه بین قومی

رابطه بین قومی، رابطه اجتماعی<sup>۱</sup> بین اعضای دو یا چند گروه قومی است. رابطه‌های بین قومی به چهار نوع عمده تقسیم می‌شوند: "روابط اقتصادی یا معیشتی بین قومی"؛ مثل معاملات اقتصادی و فعالیت‌های تولیدی مشترک، "روابط سیاسی یا اقتداری بین قومی"؛ مثل اختلافات، کدورت‌ها و نزاع‌های بین اقوام، "روابط فرهنگی یا فکری بین قومی"، مثل تبادل نظر فکری و آموزشی بین اقوام، "روابط اجتماعی"<sup>۲</sup> یا عاطفی؛ مثل دوستی، معاشرت و خویشاوندی در بین اعضای دو یا چند قوم. (۳)

### ۱-۳- تراکم روابط بین قومی

فراوانی روابط چهارگانه معیشتی، اقتداری، فکری و عاطفی در بین اعضای دو یا چند گروه قومی، تراکم روابط بین قومی نامیده می‌شود. تراکم روابط بین دو قوم از ترکیب میانگین روابط

اعضای آن قوم با یکدیگر در طی یک زمان معین به دست می‌آید. به‌عنوان مثال تراکم روابط اقتصادی دو قوم A و B به ترتیب ذیل محاسبه می‌گردد:

میزان روابط اقتصادی قوم B با A + میزان روابط اقتصادی قوم A با B = تراکم روابط اقتصادی قوم B و A

بدین ترتیب تراکم انواع روابط موجود بین هر دو قوم محاسبه می‌شود.

#### ۴-۱- قرینگی روابط بین قومی

دو جانبه بودن روابط چهارگانه معیشتی، اقتداری، فکری و عاطفی در بین اعضای دو یا چند گروه قومی قرینگی روابط بین قومی خوانده می‌شود. نرخ قرینگی روابط بین دو قوم از تقسیم میانگین روابط اعضای آن دو قوم بر یکدیگر و ضرب کردن حاصل آن در عدد ۱۰۰ به‌دست می‌آید. قرینگی کامل در روابط دو قوم وقتی حاصل می‌شود که روابط آن دو با یکدیگر برابر باشد. به‌عنوان مثال نرخ قرینگی روابط اقتصادی دو قوم A و B به ترتیب ذیل محاسبه می‌شود:

$$\text{نرخ قرینگی روابط اقتصادی قوم A و B} = \frac{\text{میزان روابط اقتصادی قوم A با B یا بالعکس (عدد کوچکتر)}}{\text{میزان روابط اقتصادی قوم B با A یا بالعکس (عدد بزرگتر)}} \times 100$$

نرخ قرینگی به روشنی نشان می‌دهد که چند درصد از روابط بین دو قوم، دو جانبه است و لذا هرچه نرخ قرینگی بیشتر (به ۱۰۰ نزدیکتر) باشد، حاکی از این است که روابط دو جانبه قومی بیشتر است.

#### ۵-۱- پرستیژ قومی

پرستیژ قومی عبارت است از فزونی یافتن گیرندگی رابطه (رابطه سایر اقوام با قوم) بر فرستندگی رابطه (رابطه قوم با سایر اقوام). بنابراین هرچه گیرندگی رابطه قوم در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بیشتر از فرستندگی روابط مذکور باشد، غلبه و پرستیژ قومی بیشتر خواهد بود. براین مبنا پرستیژ اجتماعی اقوام را می‌توان به چهار نوع پرستیژ اقتصادی، سیاسی (آمریت)، فرهنگی و اجتماعی (احترام) تجزیه نمود.

به عنوان مثال پرستیژ اقتصادی قوم A به ترتیب ذیل محاسبه می‌گردد:

$$\text{میزان روابط اقتصادی سایر اقوام با قوم A} = \frac{\text{پرستیژ اقتصادی قوم A}}{\text{میزان روابط اقتصادی قوم A با سایر اقوام}}$$

بدین ترتیب، پرستیژ فرهنگی، اجتماعی و سیاسی (آمریت) در هر قوم را به همین روش می‌توان محاسبه کرد.

### ۱-۶- هویت ملی

هویت ملی به معنای احساس تعلق و وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع ملی (جامعه کل) است. مهمترین عناصر و نمادهای ملی که سبب شناسایی و تمایز می‌شوند عبارت‌اند از: "سرزمین، دین و آیین، آداب و مناسک، تاریخ، زبان و ادبیات، مردم و دولت". در درون یک اجتماع ملی، میزان تعلق و وفاداری اعضا به هر یک از عناصر و نمادهای مذکور، احساس هویت ملی آنها را مشخص می‌سازد.

### ۲- فرضیه اساسی

روابط بین قومی در حوزه‌های چهارگانه اجتماعی، فرصت‌های ارتباطی لازم را برای پیوند اعضای اجتماعات قومی با اجتماع ملی (جامعه کل) فراهم می‌آورد. بدین معنی که:

۱- با افزایش تراکم و قرینگی روابط بین قومی، تعلق و وفاداری اقوام به اجتماع ملی افزایش پیدا می‌کند و مرزهای هویتی "درون گروه - برون گروه"<sup>۱</sup>، "خودی - غریبه"<sup>۲</sup>، "ما - آنها"<sup>۳</sup> ضعیف می‌گردد و راه ورود اجتماعات قومی به درون اجتماع ملی هموار می‌شود. به علاوه با افزایش قرینگی روابط بین قومی، غلبه و انحصار قومی در اجتماع ملی کاهش پیدا می‌کند و اقوام مختلف از لحاظ پرستیژ قومی در وضعیتی کم و بیش یکسان قرار می‌گیرند. در وضعیت تقارن، سرمایه ارتباطی اقوام به هم نزدیک می‌شود. یعنی هر قوم همان قدر که خواهان رابطه با

1- Ingroup - outgroup

2- Insider - outsider

3- We - They

دیگران است، دیگران نیز خواهان رابطه با او هستند. بدین ترتیب تراکم و قرینگی روابط بین قومی سبب پیوند اقوام به یکدیگر و عضویت آنها در اجتماع ملی می‌گردد.

### ۳- یافته‌ها

هم‌چنان‌که در مقدمه اشاره گردید، داده‌هایی که در مقاله حاضر مبنای تحلیل ثانویه قرار گرفته، مستند به داده‌های یک پیمایش ملی است. "این داده‌ها از طریق انجام مصاحبه حضوری با ۳۵۹۷ نفر پاسخگوی ۱۸ ساله و بالاتر که در یکی از اقوام پنج‌گانه کشور شامل: آذری، بلوچ، فارس، گُرد و لُر عضویت داشته‌اند، به دست آمده است. از این تعداد ۱۳۰۹ نفر آذری، ۲۶۵ نفر بلوچ، ۶۹۸ نفر فارس، ۶۷۵ نفر گُرد و ۶۵۰ نفر لُر بوده‌اند که در ۲۳ نقطه شهری در مناطق قومی کشور به روشی کاملاً تصادفی برگزیده شده‌اند. ۵۳ درصد پاسخگویان مرد و ۴۷ درصد زن، میانگین سنی آنها ۳۴/۶ سال و میانگین تحصیلی آنان ۹/۷ کلاس (سال) بوده است. از لحاظ وضع فعالیت، ۴۷ درصد شاغل، ۲۷ درصد خانه‌دار، ۱۲ درصد محصل و دانشجو، ۴ درصد بازنشسته و ۱۰ درصد بیکار، از لحاظ مذهبی، ۱۹/۵ درصد سنی و ۸۰/۵ درصد شیعه بوده‌اند." با این توضیح، ابتدا نتایج سنجش هویت ملی و روابط بین قومی در نزد پنج قوم آذری، بلوچ، فارس، گُرد و لُر توصیف می‌گردد و سپس رابطه مفروض این دو متغیر، مورد ارزیابی تجربی قرار می‌گیرد.

#### ۳-۱- نتایج سنجش هویت ملی در نزد اقوام پنج‌گانه کشور

در تشریح نتایج سنجش هویت ملی، ابتدا نتایج کلی سنجش که از ترکیب نظرات پاسخگویان در بین اقوام پنج‌گانه کشور، یعنی: اقوام آذری، بلوچ، فارس، گُرد و لُر به دست آمده، ارائه می‌گردد و سپس با ارائه نتایج سنجش هویت ملی در نزد هر قوم، اقوام مذکور با یکدیگر مقایسه می‌شوند.

#### ۳-۱-۱- آماره‌های توصیفی اجزای هویت ملی

"هویت ملی" یا "احساس تعلق و وفاداری افراد به اجتماع ملی" براساس ۱۳ گویه به شرحی

که در جدول (۱) آمده، سنجیده شده است. هویت ملی هر یک از پاسخگویان براساس امتیازی که از ترکیب ۱۳ گویه مذکور کسب می‌کند، محاسبه می‌گردد. همه سؤالات هویت ملی براساس مقیاس ۵ قسمتی (کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) سنجیده شده و برای سهولت مقایسه و نتیجه‌گیری، آماره‌های مربوطه بر مبنای مقیاس ۰ تا ۱۰۰ محاسبه گردیده است. بدین معنا که حداقل امتیاز پاسخگویان از هر سؤال ۰ و حداکثر ۱۰۰ خواهد بود. هم‌چنان که در زیرنویس جدول اشاره گردیده، این آماره‌ها پس از هم جهت کردن گویه‌های منفی یا گویه‌های مثبت، محاسبه گردیده است. گویه‌های منفی (ستاره‌دار)، گویه‌هایی هستند که مخالفت با آنها، نشانه هویت ملی است و بالعکس گویه‌های مثبت، گویه‌هایی هستند که موافقت با آنها، نشانه هویت ملی محسوب می‌شود.

در جدول (۱)، در مورد هر یک از سؤالات هویت ملی، تعداد پاسخ معتبر، توزیع فراوانی پاسخ‌ها و سه آماره شامل میانگین، میانه و انحراف معیار محاسبه گردیده است. تأمل در پاسخ‌ها و آماره‌های مربوطه به روشنی میزان تعلق و وفاداری اقوام پنج‌گانه کشور را به اجتماع ملی آشکار می‌سازد. با وجود گویا بودن نتایج جدول، به چند نکته برجسته در جدول (۱) اشاره می‌گردد:

- بالا بودن نرخ پاسخ معتبر در مورد همه گویه‌های هویت ملی، (بیشتر از ۹۸ درصد) حاکی از این معناست که نشانه‌های هویت ملی، در دایره شناخت و تجربه عمومی پاسخگویان اعضای هر قوم قرار دارد.
- بیشترین فراوانی پاسخ‌ها مربوط به بالاترین مرتبه تعلق و وفاداری ملی (کاملاً موافق با گویه‌های مثبت و کاملاً مخالف با گویه‌های منفی) است و این امر حاکی از شدت علاقه و وفاداری اقوام به اجتماع ملی است.
- در بین عناصر مورد بررسی هویت ملی، شدیدترین وفاداری‌ها (۷۱/۱ درصد) مربوط به اعیاد مذهبی و ضعیف‌ترین وفاداری (۴۱/۹ درصد) مربوط به دولت ابراز گردیده است. این تفاوت از این جهت قابل توضیح است که آداب و مناسک مذهبی، جزء عناصر پایدار فرهنگی و دولت، جزء عناصر سیاسی و ناپایدار اجتماع ملی است. با این حال تعلق و وفاداری به همه عناصر هویت ملی، در مجموع بالاست.

- پاسخ‌های "مردد"، تردید و ابهام پاسخگویان را نسبت به عناصر هویت ملی آشکار می‌کند. پایین بودن نرخ پاسخ‌های مردد در مورد اغلب سؤالات هویت ملی، حاکی از آگاهی و قضاوت روشن پاسخگویان است. در بین عناصر مورد بررسی، کمترین تردید (۱/۵ درصد) مربوط به سرزمین است و بیشترین تردید، (۱۰/۱ درصد) مربوط به دولت است.
- بالاترین میانگین تعلق و وفاداری به ترتیب مربوط به سرزمین (۹۱/۵) و اعیاد مذهبی (۹۱/۲) و کمترین آن (۷۵/۸) مربوط به دولت است. با این حال میانگین تعلق و وفاداری به همه عناصر هویت ملی در نزد اقوام پنج‌گانه کشور، بالای ۷۵ است.
- ۵۰ درصد پاسخگویان حداکثر تعلق و وفاداری (۱۰۰) را نسبت به اغلب عناصر هویت ملی، ابراز داشته‌اند.
- کمترین اختلاف نظر (۱۴/۴) مربوط به سرزمین و بیشترین اختلاف نظر (۲۸) مربوط به دولت است. این امر می‌تواند بازتاب اختلافات سیاسی و ایدئولوژیکی باشد که غالباً در چهره دولت ملی ظهور پیدا می‌کند.



جدول (۱) کویبه‌های هویت ملی و میزان موافقت باسخنویان با آنها (تعداد پاسخگو = ۳۵۹۷)

انحراف معیار	میان میانگین	میزان موافقت با کویبه‌ها (درصد)					تعداد پاسخ معتبر	کویبه‌های هویت ملی	ردیف
		کاملاً مخالف	مخالف	مردد	موافق	کاملاً موافق			
۱۷/۰	۱۰۰	۰/۶	۱/۱	۷/۶	۲۵/۵	۶۹/۸	۳۵۹۰	۱	من افتخار می‌کنم که ایرانی هستم.
۱۴/۴	۱۰۰	۰/۴	۰/۵	۱/۵	۲۸/۰	۶۹/۶	۳۵۹۱	۲	من به سرزمین ایران عشق می‌ورزم.
۱۸/۶	۱۰۰	۸۹/۱	۱/۱	۳/۶	۲۶/۸	۶۶/۸	۳۵۸۷	۳	اسلام مایه سربلندی ایرانیان است.
۱۹/۲	۱۰۰	۹۱/۲	۰/۸	۲/۲	۲۵/۱	۷۱/۱	۳۵۹۱	۴	من عیدهای مذهبی مثل عیدتربان، عیدفطر و عیدمیث را دوست دارم.
۱۵/۹	۱۰۰	۹۰/۳	۰/۶	۲/۴	۲۹/۳	۶۶/۹	۳۵۷۴	۵	پرچم سه رنگ ایران مایه سربلندی ماست.
۱۸/۶	۱۰۰	۸۷/۷	۱/۰	۵/۰	۳۰/۹	۶۱/۶	۳۵۴۹	۶	با شنیدن سرود جمهوری اسلامی ایران، به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنم.
۱۹/۲	۱۰۰	۸۷/۶	۰/۵	۳/۳	۳۸/۸	۵۶/۷	۳۵۳۰	۷	حافظ و مولوی باعث افتخار ما ایرانیان هستند.
۱۹/۰	۱۰۰	۸۵/۸	۱/۲	۴/۴	۳۸/۰	۵۴/۶	۳۵۳۶	۸	فردوسی مایه سربلندی ما ایرانیان است.
۲۳/۵	۷۵	۷۹/۸	۲/۰	۹/۶	۳۹/۰	۴۴/۵	۳۵۸۸	۹	من به زبان فارسی عشق می‌ورزم.
۲۸/۰	۷۵	۷۵/۷	۴/۱/۹	۱۰/۰	۶/۷	۵/۲	۳۵۶۵	۱۰	دولت جمهوری اسلامی، چندان افتخاری برای ما نیست.
۲۷/۷	۷۵	۷۶/۰	۴۲/۴	۹/۳	۷/۸	۴/۴	۳۵۸۲	۱۱	خیلی وقت‌ها به خودم می‌گویم، کاش در ایران به دنیا نیامده بودم.
۲۵/۷	۷۵	۷۸/۸	۴۵/۸	۳۷/۱	۹/۷	۴/۰	۳۵۸۹	۱۲	اگر از دستم برآید، حاضر نیستم یک لحظه هم در ایران بمانم.
۲۵/۶	۷۵	۷۷/۹	۴۳/۴	۳۷/۲	۹/۶	۲/۸	۳۵۸۷	۱۳	گاهی احساس می‌کنم از مردم ایران متنفرم.

۱- برای محاسبه این آماره‌ها، مقیاس ۵ قسمتی هویت ملی به یک مقیاس ۰ تا ۱۰۰ تبدیل شده است. یعنی موافقت کامل با کویبه معادل ۱۰۰ و مخالفت کامل با آن معادل ۰ تلقی شده است. محاسبه آماره‌های هویت ملی پس از هم جهت کردن کویبه‌های منفی با کویبه‌های مثبت انجام گرفته است.

\* کویبه‌های ستاره دار (۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳)، دارای مضمون منفی هستند و لذا مخالفت با آنها نشانه احساس هویت ملی تلقی گردیده است.

## ۳-۱-۲- ابعاد تجربی هویت ملی

براساس تحلیل عاملی<sup>۱</sup> که بر روی اجزای هویت ملی انجام گرفته، این مفهوم در بین پاسخگویان پنج قوم کشور، دارای سه بُعد<sup>۲</sup> اساسی است. هر بُعد (عامل) متشکل از اجزایی (گویه‌ها) است که دارای معنای مشترک هستند. بر اساس نتایج تحلیل عاملی هویت ملی که در جدول (۲) منعکس گردیده، هویت ملی دارای سه بُعد اساسی است که عبارت‌اند از:

● بُعد اول متشکل از ۵ جزء است. این اجزا به ترتیب اهمیتی که در تشکیل این بُعد از هویت ملی دارند، در ستون سوم جدول (عامل ۱) فهرست گردیده‌اند. این اجزا عبارت‌اند از: "افتخار به پرچم ملی، تعلق به سرزمین، افتخار به سرود ملی و زبان فارسی و احساس غرور ملی". ضرایبی (بار عاملی) که در جلوی هر جزء قرار گرفته حاکی از اهمیتی است که هر یک از متغیرها در تشکیل این بُعد از هویت ملی دارند. براین مبنا، عنصر پرچم و سرزمین با بالاترین بار عاملی، بیشترین سهم را در تشکیل این بُعد از هویت ملی برعهده دارند. بر همین مبنا، بُعد نخست هویت ملی را می‌توان "تعلق خاطر مشترک" نسبت به نمادهای ملی نام‌گذاری کرد.

● بُعد دوم هویت ملی شامل ۴ جزء است. این اجزا به ترتیب اهمیتی (مقدار بار عاملی) که در تشکیل بُعد مذکور دارند عبارت‌اند از: "علاقه به وطن (گویه ردیف ۷ و ۸)، علاقه به مردم، علاقه به دولت ملی و افتخار دینی". قرار گرفتن این متغیرها در یک بُعد (عامل ۲) حاکی از این معناست که از دیدگاه پاسخگویان بین این متغیرها، سنخیت و تشابه معنا وجود دارد. در این صورت، وطن، مردم، دولت و دین بُعد دیگری از هویت ملی را تشکیل می‌دهند. مقادیر بار عاملی هر یک از متغیرها در این بُعد نشان می‌دهد که "تعلقات وطنی" بیش از سایر اجزا در تشکیل این بُعد از مفهوم هویت ملی دخالت دارند. براین مبنا، نام این بُعد از هویت ملی را می‌توان "وفاداری مشترک" به وطن، دین و مردم دانست.

● سومین بُعد هویت ملی متشکل از عناصری است که دلالت روشنی بر میراث تاریخی و فرهنگی پاسخگویان دارند. در این بُعد سه جزء عضویت دارند که به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از: "مفاخر فرهنگی (گویه ردیف ۱۱ و ۱۲) و اعیاد و مناسک مذهبی". براین مبنا، این بُعد از هویت

ملی را می‌توان "میراث مشترک فرهنگی" نامید. متغیر اعیاد و مناسک مذهبی در دو بُعد عضویت دارند، لکن بار عاملی این متغیر در بُعد سوم (میراث مشترک فرهنگی) بیش از بُعد دوم (وفاداری مشترک) است. لذا ترجیحاً جزئی از بُعد سوم تلقی می‌شود.

بدین ترتیب، براساس تحلیل مذکور، هویت ملی در بین پاسخگویان قومی دارای سه بُعد اساسی است که عبارت‌اند از: "تعلق خاطر مشترک"، "وفاداری مشترک"، و "میراث مشترک". این ابعاد به ترتیب اهمیتی که در تشکیل مفهوم کلی هویت ملی دارند، در جدول (۲) تحت عناوین عامل (۱)، (۲) و (۳) معرفی شده‌اند.

**جدول (۲) نتایج تحلیل عاملی هویت ملی در بین اقوام پنج‌گانه کشور (تعداد پاسخگو = ۳۵۹۷)**

ردیف	اجزای هویت ملی	ابعاد هویت ملی		
		عامل (۱)	عامل (۲)	عامل (۳)
۱	پرچم سه رنگ ایران مایه سربلندی ماست.	۰/۸۴		
۲	من به سرزمین ایران عشق می‌ورزم.	۰/۸۱		
۳	با شنیدن سرود جمهوری اسلامی ایران به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنم.	۰/۷۶		
۴	من افتخار می‌کنم که ایرانی هستم.	۰/۶۵		
۵	من به زبان فارسی عشق می‌ورزم.	۰/۵۸		
۶	خیلی وقت‌ها به خود می‌گویم، ای کاش در ایران به دنیا نیامده بودم.	۰/۷۹		
۷	اگر از دستم بر آید، حاضر نیستم یک لحظه هم در ایران بمانم.	۰/۷۵		
۸	دولت جمهوری اسلامی، افتخاری برای ما نیست.	۰/۶۸		
۹	گاهی احساس می‌کنم، از مردم ایران متنفرم.	۰/۶۸		
۱۰	اسلام مایه سربلندی ایرانیان است.	۰/۵۰		
۱۱	فردوسی مایه سربلندی ما ایرانیان است.	۰/۸۵		
۱۲	حافظ و مولوی باعث افتخار ما ایرانیان هستند.	۰/۸۱		
۱۳	من اعیاد مذهبی مثل عیدقربان، عیدفطر و عیدمبعث را دوست دارم.	۰/۴۷	۰/۵۰	

## ۳-۱-۳- مقایسه اقوام از لحاظ آماره‌های هویت ملی

بر مبنای نتایجی که از تحلیل عاملی هویت ملی حاصل گردید، هویت ملی دارای سه بُعد است که عبارت‌اند از: "تعلق خاطر مشترک نسبت به نمادهای ملی"، "وفاداری مشترک نسبت به وطن، دین و مردم" و "میراث مشترک فرهنگی". هر بُعد از هویت ملی از ترکیب اجزای مربوطه و مفهوم کلی هویت ملی از ترکیب سه بُعد مذکور حاصل می‌شود. آماره‌های اجزای مربوطه به هر یک از ابعاد هویت ملی به تفکیک ۵ قوم مورد بررسی در جدول (۳) منعکس گردیده و به سهولت می‌توان اقوام مذکور را با یکدیگر مقایسه نمود. ذیلاً به نکات برجسته جدول (۳) اشاره می‌گردد:

- میانگین امتیاز هویت ملی، که نشانه تعلق و وفاداری به اجتماع ملی است، در ابعاد سه‌گانه و در کل، در بین پاسخگویان هر پنج قوم بالاتر از ۷۵ (از ۱۰۰ امتیاز) است. به علاوه وفاداری به اجتماع ملی در بین نیمی از پاسخگویان، بالاتر از ۸۰ است که حاکی از وفاداری شدید است.
- در درون پاسخگویان هر قوم، اتفاق نظر زیادی در ابراز نظر و علاقه نسبت به عناصر هویت ملی وجود دارد. در این میان بیشترین اتفاق نظر در بین پاسخگویان بلوچ و لر دیده می‌شود.
- بیشترین علاقه و وفاداری به اجتماع ملی در بُعد "تعلق خاطر مشترک" توسط پاسخگویان لر و در دو بُعد دیگر یعنی: "وفاداری مشترک" و "میراث مشترک" توسط پاسخگویان بلوچ ابراز گردیده است.
- ابراز تعلق و وفاداری پاسخگویان به اجتماع ملی در بین پاسخگویان بلوچ و لر بیش از سایر پاسخگویان است. اما در عین حال تعلق وفاداری به اجتماع ملی در بین پاسخگویان اقوام پنج‌گانه بسیار بالاست.
- میانگین کلی احساس هویت ملی در بین هر پنج گروه از پاسخگویان (اقوام پنج‌گانه) بالاتر از ۷۹ است، که حاکی از وفاداری بسیار بالا به اجتماع ملی است.

جدول (۳) آماره‌های هویت ملی در نزد اقوام پنج‌گانه کشور

هویت ملی (کل)	ابعاد هویت ملی			هویت ملی اقوام - آماره‌ها
	میراث فرهنگی مشترک	وفاداری مشترک	تعلق خاطر مشترک	
۸۳/۶	۸۷/۰	۸۰/۰	۸۵/۴	آذری میانگین میانه انحراف معیار تعداد پاسخ معتبر
۸۴/۶	۸۳/۳	۸۰/۰	۸۵/۰	
۱۱/۴	۱۲/۸	۱۷/۰	۱۲/۰	
۱۲۳۷	۱۲۶۵	۱۲۸۲	۱۳۰۱	
۸۹/۴	۹۲/۰	۸۶/۸	۹۱/۴	بلوچ میانگین میانه انحراف معیار تعداد پاسخ معتبر
۹۲/۳	۱۰۰/۰	۹۰/۰	۱۰۰/۰	
۱۱/۰	۱۲/۵	۱۳/۸	۱۲/۷	
۲۲۴	۲۴۸	۲۶۵	۲۳۷	
۸۴/۷	۸۸/۹	۷۷/۵	۸۹/۴	فارس میانگین میانه انحراف معیار تعداد پاسخ معتبر
۸۶/۵	۹۱/۷	۸۰/۰	۹۵/۰	
۱۲/۴	۱۳/۷	۱۸/۸	۱۳/۲	
۶۷۷	۶۹۶	۶۹۱	۶۸۵	
۸۱/۷	۸۶/۴	۷۵/۴	۸۵/۱	کرد میانگین میانه انحراف معیار تعداد پاسخ معتبر
۸۶/۵	۹۱/۷	۸۰/۰	۹۰/۰	
۱۶/۳	۱۵/۸	۲۱/۶	۱۸/۶	
۶۴۷	۶۵۷	۶۶۰	۶۶۹	
۸۸/۴	۹۰/۲	۸۲/۴	۹۳/۱	لر میانگین میانه انحراف معیار تعداد پاسخ معتبر
۹۰/۴	۱۰۰/۰	۸۵/۰	۱۰۰/۰	
۱۰/۴	۱۱/۸	۱۶/۶	۹/۹	
۶۴۱	۶۴۷	۶۴۶	۶۴۷	
۸۴/۸	۸۸/۲	۷۹/۶	۸۷/۹	کل اقوام میانگین میانه انحراف معیار تعداد پاسخ معتبر
۸۶/۵	۹۱/۷	۸۰/۰	۹۰/۰	
۱۲/۷	۱۳/۵	۱۸/۳	۱۳/۸	
۳۴۲۷	۳۵۱۳	۳۵۴۴	۳۵۳۹	

اگرچه در بین اقوام پنج‌گانه مورد بررسی، میانگین احساس هویت ملی یا تعلق و وفاداری به اجتماع ملی بالاست و تفاوت‌های آنها نامحسوس به نظر می‌رسد، اما با این حال، تحلیل‌های دقیق‌تر آماری نشان می‌دهد که اولاً در بین اقوام مذکور از لحاظ میانگین احساس هویت تفاوت آماری معناداری وجود دارد و ثانیاً در مقایسه زوجی (دو به دو) اقوام نیز، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود که نتایج آن در جدول (۴) منعکس گردیده است. نتایج جدول مذکور از تحلیل واریانس هویت ملی (کل) در بین پنج دسته پاسخگویان مذکور و آزمون مقایسه میانگین‌ها (آزمون شفه) به دست آمده است. در این جدول به روشنی مشخص گردیده که هر یک از اقوام پنج‌گانه از لحاظ میانگین هویت ملی (کل) با چه اقوامی تفاوت معنادار ( $\leq 0/05$  sig) دارد.

**جدول (۴) مقایسه اقوام پنج‌گانه کشور از لحاظ میانگین هویت ملی (کل)**

نام قوم	تفاوت دارد با:	شباهت دارد با:
آذری	بلوچ، گُرد و لُر	فارس
بلوچ	آذری، فارس و گُرد	لُر
فارس	بلوچ، گُرد و لُر	آذری
گُرد	آذری، بلوچ، فارس و لُر	-
لُر	آذری، فارس و گُرد	بلوچ

### ۳-۲- نتایج سنجش روابط بین قومی در نزد اقوام پنج‌گانه کشور

روابط بین قومی براساس ۱۶ سؤال سنجیده شده است. بدین ترتیب که هر پاسخگو به چهار سؤال در زمینه روابطی که با اعضای هر یک از چهار قوم مورد بررسی (به جز قوم خودش) دارد، پاسخ داده است. به عنوان مثال از پاسخگوی آذری پرسیده شده که با بلوچ‌ها تا چه اندازه همکاری اقتصادی (مبادله، معامله و ...)، تا چه اندازه دوستی و معاشرت، تا چه اندازه هم‌فکری و مشورت و تا چه اندازه اختلاف و بگو مگو دارد؟

در مورد سایر اقوام به همین ترتیب از او سؤال شده است. برای هر یک از سؤالات مذکور

پنج گزینه نیز پیش‌بینی شده که عبارت‌اند از: "اصلاً، سالانه، ماهانه، هفتگی و روزانه". بدین ترتیب حداقل رابطه سالانه هر پاسخگو با سایر اقوام (۰) روز (اصلاً) و حداکثر آن ۳۶۵ روز (روزانه) خواهد بود. براساس جمع‌بندی پاسخ‌ها، میانگین سالیانه روابط پاسخگویان هر قوم با سایر اقوام در چهار بُعد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی محاسبه شده است. این میانگین شاخص روابط هر قوم با سایر اقوام محسوب می‌شود. بدین ترتیب روابط بین پنج قوم مورد بررسی (آذری، بلوچ، فارس، کُرد و لُر) در چهار بُعد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی محاسبه و در چهار جدول جداگانه (جداول ۵ تا ۸) ارائه گردیده است. چون هر چهار جدول مذکور شکل یکسانی دارند؛ توضیح ذیل مقدمه مشترکی برای تفسیر نتایج آنها محسوب می‌شود.

در هر یک از جداول مذکور به روشنی مشخص می‌شود که اولاً هر قوم به‌طور متوسط چند روز در سال با اقوام دیگر رابطه دارد و ثانیاً سایر اقوام، چند روز در سال با قوم موردنظر رابطه دارند. روابط بین هر دو قوم در محل تقاطع نام آنها بر حسب روز مشخص گردیده است. به‌عنوان مثال در جدول (۵) رابطه اقتصادی بلوچ با آذری ۴/۲ روز در سال و رابطه آذری با بلوچ ۱/۳ روز در سال می‌باشد. در آخرین ستون هر جدول، میانگین رابطه، هر قوم با سایر اقوام و در آخرین ردیف، میانگین روابط سایر اقوام با هر قوم درج گردیده است. به‌عنوان مثال در جدول (۵) رابطه اقتصادی آذری با سایر اقوام ۳/۱ روز در سال و رابطه اقتصادی سایر اقوام با آذری ۱۸/۴ روز در سال است. قطر جدول بیانگر رابطه هر قوم با خودش است که از موضوع بحث حاضر خارج و عددی برای آن منظور نشده است. به‌علاوه در محل تقاطع آخرین سطر و ستون هر یک از جداول مذکور، میانگین کلی روابط بین قومی مشخص گردیده است.

با این توضیح ذیلاً نتایج سنجش روابط بین قومی به تفکیک چهار نوع رابطه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تشریح می‌گردد.

### ۳-۲-۱- روابط اقتصادی (معیشتی) بین قومی

میزان روابط اقتصادی یا معیشتی (معامله، مبادله، تولید مشترک) در بین پنج قوم آذری، بلوچ، فارس، کُرد و لُر در جدول (۵) منعکس گردیده است. در این جدول مشخص گردیده که اولاً هر یک از پنج قوم مورد بررسی به‌طور متوسط چند روز در سال با سایر اقوام رابطه

اقتصادی دارد و ثانیاً سایر اقوام، به طور متوسط چند روز در سال با قوم موردنظر رابطه اقتصادی دارند. اگرچه نتایج جدول گویاست، لکن توجه به چند نکته ذیل حائز اهمیت بیشتر است:

● درحالی که فارس‌ها کمترین رابطه اقتصادی را با سایر اقوام (۵) دارند، بالعکس سایر اقوام بیشترین رابطه اقتصادی (۹۸/۲) را با فارس‌ها دارند. به عبارت دیگر، درحالی که سایر اقوام خواهان رابطه اقتصادی با فارس‌ها هستند، فارس‌ها تمایلی به رابطه با سایر اقوام از خود نشان نمی‌دهند. در مورد بلوچ‌ها عکس این وضعیت صادق است؛ یعنی درحالی که بلوچ‌ها بیشترین رابطه اقتصادی را با سایر اقوام (۱۱/۷) دارند، اما درمقابل، سایر اقوام کمترین رابطه اقتصادی (۳/۹) را با بلوچ‌ها دارند.

● در سلسله مراتب اقتصادی اقوام، برترین موقعیت یا بالاترین پرستیژ اقتصادی مربوط به فارس‌ها ( $\frac{98}{2} = 19/64$ ) و پایین‌ترین پرستیژ مربوط به بلوچ‌ها ( $\frac{0}{33}$ ) است. بُعد از فارس‌ها به ترتیب آذری‌ها (۵/۹۳)، گُردها (۲/۳۷) و سپس لُر‌ها (۲/۲۵) قرار می‌گیرند. برتری موقعیت فارس‌ها در سلسله مراتب اقتصادی اقوام، حاکی از غلبه اقتصادی فارس‌ها بر سایر اقوام است.

● میانگین کلی روابط اقتصادی در بین پنج قوم آذری، بلوچ، فارس، گُردها و لُر، ۵/۵ روز در سال است.

### جدول (۵) روابط دو جانبه اقتصادی (معیشتی) بین اقوام پنج‌گانه کشور

(تعداد پاسخگو = ۳۵۹۸)

کل اقوام	لُر	گُردها	فارس	بلوچ	آذری	
۳/۱	۱/۷	۱۶/۵	۴۴/۵	۱/۳	۴/۲	آذری
۱۱/۷	۲/۲	۵/۹	۲۷۶/۸	۹	۱۰/۸	بلوچ
۵	۳۲	۳۷/۵	۱۱۷/۶	۷	۴۵/۵	فارس
۸/۱	۱۶/۸	۱۰	۱۱۳/۵	۰/۱	۴	گُردها
۵/۵		۱۹/۲	۹۸/۲	۳/۹	۱۸/۴	لُر
۵/۵	۱۲/۴					کل اقوام



### ۳-۲-۳ روابط فرهنگی (فکری) بین قومی

روابط فرهنگی یا فکری (هم فکری، مشورت، آموزش) در بین پنج قوم آذری، بلوچ، فارس، گُرد و لُر در جدول (۶) منعکس گردیده است، جدول مذکور مشخص می‌کند که اولاً هر یک از پنج قوم مورد بررسی به‌طور متوسط چند روز در سال با سایر اقوام، رابطه فرهنگی دارد و ثانیاً متقابلاً سایر اقوام، به‌طور متوسط چند روز در سال با قوم موردنظر رابطه فرهنگی دارند. همان نکاتی که در حوزه روابط اقتصادی اقوام مطرح گردید. در روابط فرهنگی اقوام نیز کم و بیش مشاهده می‌شود. ذیلاً به چند نکته در این زمینه اشاره می‌گردد:

● درحالی‌که بلوچ‌ها بیشترین رابطه فرهنگی را با سایر اقوام (۷/۴) دارند؛ درمقابل سایر اقوام کمترین رابطه فرهنگی (۴) را با بلوچ‌ها دارند. در مورد فارس‌ها تقریباً عکس این وضعیت صادق است. یعنی درحالی‌که سایر اقوام خواهان بیشترین رابطه فرهنگی با فارس‌ها (۸۹/۹) هستند، فارس‌ها تمایل چندانی به رابطه فرهنگی با سایر اقوام (۴/۴) ندارند. با این حال کمترین رابطه فرهنگی با سایر اقوام (۳/۴) مربوط به آذری‌ها است؛ گُردها بعد از بلوچ‌ها، بیشترین تمایل را به رابطه فرهنگی با سایر اقوام (۷/۳) دارند.

● در سلسله مراتب فرهنگی اقوام، برترین موفقیت یا بالاترین پرستیژ فرهنگی مربوط به فارس‌ها (۲۰/۴ =  $\frac{۸۹/۹}{۴/۴}$ ) است. بُعد از فارس‌ها به ترتیب آذری‌ها (۴/۴)، گُردها (۲/۴۲)، لُر‌ها (۲/۱۹) و بلوچ‌ها (۰/۵۴) قرار می‌گیرند. این یافته نشان می‌دهد که فارس‌ها از لحاظ فرهنگی در موقعیت کاملاً برتر (غلبه فرهنگی) قرار دارند.

● میانگین کلی روابط فرهنگی (فکری و مشورتی) در بین پنج قوم آذری، بلوچ، فارس، گُرد و لُر، ۵/۱ روز در سال است.

## جدول (۶) روابط دو جانبه فرهنگی (فکری) بین اقوام پنج‌گانه کشور

(تعداد پاسخگو = ۳۵۹۸)

کل اقوام	لُر	کُرد	فارس	بلوچ	آذری	
۳/۴	۳/۱	۱۵/۷	۵۲/۳	۲/۵		آذری
۷/۴	۲/۱	۲/۸	۱۷۵		۱/۴	بلوچ
۴/۴	۳۳/۱	۳۱/۵		۶/۱	۱۳/۳	فارس
۷/۳	۱۷/۴		۱۰۷/۹	۵/۲	۲۸/۷	کُرد
۶/۱		۱۳	۱۱۲/۳	۳/۵	۸/۶	لُر
۵/۱	۱۳/۴	۱۷/۷	۸۹/۹	۴	۱۵/۱	کل اقوام

## ۳-۲-۳- روابط اجتماعی (عاطفی) بین قومی

میزان روابط اجتماعی یا عاطفی (دوستی، خویشاوندی و معاشرت) در بین پنج قوم آذری، بلوچ، فارس، کُرد و لُر در جدول (۷) منعکس گردیده است. در حوزه روابط اجتماعی اقوام نیز نتایج کم و بیش مشابه با روابط فرهنگی و اقتصادی اقوام دیده می‌شود. ذیلاً به نکات برجسته جدول مذکور اشاره می‌گردد:

● در حوزه روابط اجتماعی (عاطفی) نیز همانند روابط اقتصادی و فرهنگی، بلوچ‌ها خواهان دوستی و معاشرت بیشتر (۱۱/۱) با سایر اقوام هستند، درحالی‌که سایر اقوام، کمترین رابطه اجتماعی (۴/۸) را با بلوچ‌ها برقرار کرده‌اند. در مورد فارس‌ها تقریباً عکس این وضعیت صادق است.

● در سلسله مراتب اجتماع اقوام، برترین موقعیت یا بالاترین پرستیژ اجتماعی (احترام) به ترتیب مربوط به فارس‌ها (۱۶/۷ =  $\frac{۹۹}{۵}$ )، آذری‌ها (۴/۶)، کُردها (۳/۲)، لُر‌ها (۲/۹) و بلوچ‌ها (۲/۳۱) است. با این تفاوت که فاصله موقعیتی (غلبه) اقوام به‌ویژه فاصله قوم بلوچ با سایر اقوام در این ساختار کاهش پیدا می‌کند.

● میانگین کلی روابط اجتماعی (دوستی و معاشرت) در بین پنج قوم آذری، بلوچ، فارس

گُرد و لُر، ۵/۹ روز در سال است که در مقایسه، بیشتر از میانگین روابط اقتصادی (۵/۵) و فرهنگی (۵/۱) است و این بدان معناست که اقوام مورد بررسی، به روابط عاطفی اهمیت بیشتری می‌دهند.

**جدول (۷) روابط دو جانبه اجتماعی (عاطفی) بین اقوام پنج‌گانه کشور  
(تعداد پاسخگو = ۳۵۹۸)**

کل اقوام	لُر	گُرد	فارس	بلوچ	آذری	
۴	۳/۱	۲۱/۳	۵۷/۹	۱/۷		آذری
۱۱/۱	۲/۴	۶	۲۶۱		۲/۸	بلوچ
۵/۹	۴۵/۹	۴۲/۵		۱۳/۳	۱۷/۴	فارس
۷/۵	۲۲		۱۰۲/۸	۵/۴	۳۵	گُرد
۶/۱		۱۶/۹	۱۱۴/۴	۱/۴	۷/۹	لُر
۵/۹	۱۷/۵	۲۴	۹۹/۵	۴/۸	۱۸/۲	کل اقوام

### ۳-۲-۴- روابط سیاسی (تعارض‌آمیز) بین قومی

میزان روابط سیاسی یا تعارض‌آمیز (اختلاف، نزاع و کدورت) در بین پنج قوم آذری، بلوچ، فارس، گُرد و لُر در جدول (۸) منعکس گردیده است. در جدول مذکور به روشنی مشخص گردیده که اولاً هر یک از پنج قوم مورد بررسی به‌طور متوسط چند نوبت در سال با سایر اقوام تعارض پیدا می‌کند و ثانیاً سایر اقوام، به‌طور متوسط چند نوبت در سال با قوم موردنظر تعارض و اختلاف پیدا می‌کنند. ذیلاً به چند نکته در این زمینه اشاره می‌گردد:

- ساختار روابط تعارض‌آمیز اقوام، متفاوت از ساختار روابط اقوام در حوزه‌های اقتصاد، فرهنگ و اجتماع است. داده‌های مذکور نشان می‌دهد که بیشترین روابط تعارضی را گُردها (۱/۳) و سپس فارس‌ها (۱/۲۲) با سایر اقوام دارند و متقابلاً نیز سایر اقوام، بیشترین تعارض را به ترتیب با فارس‌ها (۹/۱) و سپس گُردها (۳/۷) دارند. در نقطه مقابل این دو قوم، بلوچ‌ها قرار

می‌گیرند، بدین معنی که بلوچ‌ها کمترین تعارض را با سایر اقوام (۰/۳) دارند و متقابلاً سایر اقوام نیز کمترین تعارض (۰/۵) را با قوم بلوچ دارند.

● در سلسله مراتب سیاسی اقوام، برترین موقعیت یا بالاترین پرستیژ سیاسی (آمریت) به ترتیب مربوط به فارس‌ها ( $\frac{9}{1} = 7/45$ )، لُر‌ها (۶/۸)، آذری‌ها (۵/۳۳)، کُردها (۲/۸۴) و بلوچ‌ها (۱/۶۶) است.

● میانگین کلی روابط تعارض‌آمیز (اختلاف، نزاع و کدورت) در بین پنج قوم آذری، بلوچ، فارس، کُرد و لُر ۰/۸ روز در سال است که در مقایسه با میانگین روابط معیشتی، فکری و عاطفی اقوام با یکدیگر، بسیار ناچیز است. این تفاوت براین معنی دلالت دارد که اقوام پنج‌گانه بیش از اینکه خواهان دوری از یکدیگر باشند، طالب نزدیکی و پیوند با یکدیگرند.

#### جدول (۸) روابط دو جانبه سیاسی (تعارض‌آمیز) بین اقوام پنج‌گانه کشور

(تعداد پاسخگو = ۳۵۹۸)

کل اقوام	لُر	کُرد	فارس	بلوچ	آذری	
۰/۶	۰/۶	۲/۵	۶/۸	۰/۶		آذری
۰/۳	۰	۰	۷/۴		۰	بلوچ
۱/۲۲	۹/۱	۹/۹		۰/۷	۱/۸	فارس
۱/۳	۴/۳		۱۵/۹	۰	۸/۷	کُرد
۰/۵		۱	۷/۴	۰	۰/۴	لُر
۰/۸	۳/۴	۳/۷	۹/۱	۰/۵	۳/۲	کل اقوام

#### ۳-۲-۵- مقایسه زوجی اقوام از لحاظ تراکم و قرینگی روابط بین قومی

در جداول ۵ تا ۸، روابط چهارگانه اقتصادی (معیشتی)، سیاسی (تعارض‌آمیز)، فرهنگی (فکری) و اجتماعی (عاطفی) در بین پنج قوم آذری، بلوچ، فارس، کُرد و لُر مورد بررسی قرار گرفت و به برخی از نتایجی که از سنجش روابط بین قومی حاصل شده، اشاره گردید. میزان تراکم و قرینگی روابط بین قومی در بین هر یک از زوج قوم‌های مذکور (شامل ۱۰ زوج قومی یا

ترکیب دو تایی) محاسبه و در جدول (۹) منعکس گردیده است. هم‌چنان‌که در تعریف مفاهیم اشاره گردید، منظور از تراکم روابط بین قومی، مجموع میانگین روابطی است که بین اعضای دو قوم برقرار می‌شود و منظور از قرینگی روابط بین قومی، میزان دو جانبه بودن روابط در بین زوج‌های مختلف اقوام را شناسایی و با یکدیگر مقایسه می‌کند. بالا بودن میزان تراکم و قرینگی روابط، حاکی از گستردگی و عمق روابط موجود در بین اقوام است. اگرچه نتایج جدول گویاست؛ لکن ذیلاً زوج‌هایی که حداقل و حداکثر قرینگی روابط را دارا هستند، معرفی می‌گردند:

● بیشترین تراکم در روابط اقتصادی (معیشتی) مربوط به دو قوم بلوچ - فارس (۲۸۵/۸) و کمترین آن مربوط به دو قوم بلوچ - لر (۲/۳) است. این در حالی است که بیشترین قرینگی در روابط اقتصادی بین دو قوم بلوچ - کرد (۸۴/۳ درصد) و کمترین آن در بین دو قوم بلوچ - فارس (۳/۳ درصد) برقرار است.

● در بین دو قوم بلوچ و کرد در عین حال که میزان فراوانی و تراکم روابط اقتصادی پایین (۱۲/۹) است، لکن میزان قرینگی روابط (۸۴ درصد) بسیار بالاست. در مورد دو قوم بلوچ و فارس عکس این وضعیت صادق است؛ یعنی تراکم روابط خیلی زیاد (۳۸۵/۸ روز در سال) است، اما قرینگی روابط خیلی کم (۳/۳ درصد) است.

● بیشترین تراکم در روابط فرهنگی (فکری) مربوط به دو قوم بلوچ - فارس (۱۸۱/۱) و کمترین آن مربوط به دو قوم آذری - بلوچ (۳/۹) است. این در حالی است که بیشترین قرینگی در روابط فرهنگی بین دو قوم کرد - لر (۷۴/۷ درصد) و کمترین آن مربوط به دو قوم بلوچ - فارس است؛ اما این روابط نامتقارن و یک طرفه است.

● بیشترین تراکم روابط اجتماعی (عاطفی) مربوط به دو قوم بلوچ - فارس (۲۷۴/۳) و کمترین آن مربوط به دو قوم بلوچ - لر (۳/۸ درصد) است. در مقابل بیشترین قرینگی در روابط اجتماعی مربوط به دو قوم بلوچ - لر (۳/۸ درصد) است. بیشترین قرینگی در روابط اجتماعی مربوط به دو قوم بلوچ - کرد (۷۶/۸ درصد) و کمترین آن مربوط به دو قوم بلوچ - فارس (۵/۱ درصد) است. یافته اخیر نشان می‌دهد در عین حال که تراکم روابط دو قوم بلوچ و کرد (۱۱/۴ روز در سال) پایین است؛ اما میزان قرینگی (دوجانبه بودن) روابط بسیار بالا (۹۰ درصد) است. در مورد روابط دو قوم بلوچ و فارس، عکس این وضعیت صادق است؛ یعنی تراکم روابط اجتماعی خیلی بالا (۱۸۱/۱ روز در سال، ولی قرینگی روابط خیلی پایین (۵/۱ درصد) است.

## جدول (۹) تراکم و قرینگی روابط در بین اقوام پنج گانه کشور

(تعداد پاسخگو = ۳۵۹۸)

ردیف	روابط اقتصادی		روابط فرهنگی		روابط اجتماعی		روابط سیاسی	
	قرینگی	تراکم	قرینگی	تراکم	قرینگی	تراکم	قرینگی	تراکم
	(درصد)		(درصد)		(درصد)	(درصد)		(درصد)
۱	آذری - بلوچ	۵/۵	۰/۶۹	۳/۹	۰/۷۸	۴/۵	۰/۶۵	۰/۶
۲	آذری - فارس	۵۵/۳	۳/۱۲	۶۵/۶	۲/۲۹	۷۵/۳	۲/۳۳	۸/۶
۳	آذری - گُرد	۶۲	۱/۷۵	۴۴/۴	۰/۴۵	۵۶/۳	۰/۳۹	۱۱/۲
۴	آذری - لُر	۵/۷	۰/۵۸	۱۱/۷	۰/۶۴	۱۱	۰/۶۱	۱
۵	بلوچ - فارس	۲۸۵/۸	۲۹/۸	۱۸۱/۱	۲۷/۷	۲۷۴/۳	۱۸/۶	۸/۱
۶	بلوچ - گُرد	۱۲/۹	۰/۱۶	۸	۰/۴۶	۱۱/۴	۰/۱۰	۰
۷	بلوچ - لُر	۲/۳	۲۱	۵/۶	۰/۴۰	۳/۸	۰/۷۱	۰
۸	فارس - گُرد	۱۵۵/۱	۰/۶۸	۶۰/۲	۰/۷۱	۱۴۵/۳	۱/۴۱	۲۵/۸
۹	فارس - لُر	۱۴۵/۵	۰/۷۲	۱۴۵/۴	۰/۷۱	۱۶۰/۳	۰/۶۰	۱۶/۵
۱۰	گُرد - لُر	۲۶/۸	۰/۶۸	۳۰/۴	۰/۳۳	۳۸/۹	۰/۳۰	۵/۳

● بیشترین روابط تعارض آمیز در بین دو قوم فارس - گُرد (۲۵/۸ روز در سال) و کمترین روابط تعارض آمیز در بین دو زوج قوم بلوچ - گُرد و بلوچ - لُر (۰) برقرار است. با این حال بیشترین قرینگی روابط سیاسی (میزان تعارض دو جانبه) مربوط به دو قوم فارس - گُرد (۲۵/۸ روز در سال) و کمترین قرینگی در روابط سیاسی مربوط به روابط قوم بلوچ با اقوام گُرد، لُر و آذری است که در هر سه مورد این قرینگی برابر با (۰) است. این بدان معناست که یا اساساً روابط تعارضی در بین این زوج از اقوام وجود ندارد و یا روابط تعارضی کاملاً یک طرفه است.

### ۳-۲-۶- مقایسه اقوام پنج‌گانه از لحاظ همکاری و تعارض بین قومی

در یک جمع‌بندی کلی، روابط چهارگانه بین قومی را می‌توان به دو دسته: روابط مبتنی بر همکاری و روابط مبتنی بر تعارض تقسیم کرد. در این میان سه نوع رابطه بین قومی، یعنی روابط اقتصادی (معیشتی)، فرهنگی (فکری و مشورتی) و اجتماعی (دوستی و معاشرتی) سبب همکاری و همگرایی قومی و روابط سیاسی (تعارض‌آمیز) سبب واگرایی و خصومت قومی می‌گردد. بدین جهت از ترکیب سه رابطه نخست، همکاری هر قوم با سایر اقوام و هم‌چنین همکاری سایر اقوام با هر قوم به دست می‌آید و از رابطه نوع چهارم (براساس داده‌های جدول (۸) تعارض هر قوم با سایر اقوام و تعارض سایر اقوام با هر قوم مشخص می‌گردد. مطابق محاسبه‌ای که در جدول (۱۰) انجام گرفته است، کم‌وکیف روابط بین قومی در نزد اقوام پنج‌گانه را به شرح زیر می‌توان جمع‌بندی و ارائه نمود:

- کمترین همکاری با سایر اقوام (۳/۵) مربوط به آذری‌ها و بیشترین همکاری (۱۰) مربوط به بلوچ‌هاست. این در حالی است که سایر اقوام، کمترین همکاری را با قوم بلوچ (۴/۲) دارند.
- درحالی‌که فارس‌ها تقریباً کمترین همکاری را با سایر اقوام (۵/۱) دارند، اما بیشترین همکاری از جانب سایر اقوام با قوم فارس (۹۵/۸) صورت می‌گیرد. در این معنا فارس‌ها بیش از اینکه فرستنده رابطه باشند، گیرنده رابطه هستند و خود را کمتر نیازمند رابطه با سایر اقوام می‌بینند و این نکته جای تأمل دارد.
- چنان‌چه نسبت همکاری سایر اقوام با یک قوم را بر همکاری آن قوم با سایر اقوام، شاخص منزلت قوم در جامعه تلقی کنیم، در آن صورت در سلسله مراتب منزلتی اقوام پنج‌گانه، به ترتیب فارس‌ها در بالاترین مرتبه (۱۸/۸) و بلوچ‌ها در پایین‌ترین مرتبه منزلتی (۰/۴۲) قرار می‌گیرند. بر همین مبنا، رتبه منزلتی آذری‌ها ۴/۹، کردها ۲/۷ و لرها ۲/۵ می‌باشد.
- هم‌چنان‌که قبلاً اشاره گردید، کردها بیشترین روابط تعارضی را با دیگر اقوام (۱/۳) دارند و درمقابل سایر اقوام بیشترین تعارض را به ترتیب با فارس‌ها (۹/۱) و سپس؛ کردها (۳/۷) دارند. در نقطه مقابل آنها، بلوچ قرار دارند که کمترین تعارض را با سایر اقوام (۰/۳) دارد و اقوام دیگر نیز کمترین تعارض را با بلوچ‌ها (۰/۵) دارند.
- به‌طورکلی روابط مبتنی بر همکاری در بین اقوام به مراتب بیشتر از روابط مبتنی بر تعارض است. این امر بیانگر آن است که استعداد همگرایی در بین اقوام پنج‌گانه بیش از واگرایی در بین آنهاست.

جدول (۱۰) میزان همکاری و تعارض در بین اقوام پنجگانه کشور (تعداد پاسخگویان = ۳۵۹۸)

اقوام	همکاری بین قومی (برحسب روز در سال)		تعارض بین قومی (برحسب روز در سال)	
	همکاری قوم با سایر اقوام	همکاری سایر اقوام با قوم	تعارض قوم با سایر اقوام	تعارض سایر اقوام با قوم
آذری	۳/۵	۱۷/۳	۰/۶	۳/۲
بلوچ	۱۰/۰	۴/۲	۰/۳	۰/۵
فارس	۵/۱	۹۵/۸	۱/۲	۹/۱
گُرد	۷/۵	۲۰/۳	۱/۳	۳/۷
لُر	۵/۸	۱۴/۴	۰/۵	۳/۴

### ۳-۳- تاثیر روابط بین قومی بر هویت ملی اقوام پنجگانه کشور

مطابق فرضیه اساسی مقاله حاضر، در یک جامعه چند قومی مثل ایران، اقوام از طریق ورود به حوزه تعاملات بین قومی با اجتماع ملی پیوند می‌خورند و به عضویت آن درمی‌آیند. لذا به میزانی که تنوع، تراکم و قرینگی روابط بین قومی در حوزه‌های چهارگانه اجتماعی بیشتر باشد، وفاداری افراد به اجتماع ملی (احساس هویت ملی) افزون‌تر می‌شود. با تفکیکی که در مباحث قبل بین دو دسته از روابط بین قومی، یعنی روابط همکاری و روابط تعارضی اقوام، صورت گرفت، توقع این است که همکاری‌های بین قومی سبب تقویت هویت ملی و تعارضات بین قومی، سبب تضعیف هویت ملی اقوام گردد. بدین منظور ابتدا شاخص همکاری‌های بین قومی از ترکیب سه نوع رابطه اقتصادی (معیشتی)، فرهنگی (فکری و مشورتی) و اجتماعی (دوستی و معاشرتی) اقوام و همچنین شاخص تعارضات قومی (روابط تعارض‌آمیز هر قوم با سایر اقوام) تهیه و سپس همبستگی آماری (۲) دو شاخص مذکور با هویت ملی و ابعاد سه‌گانه آن محاسبه و نتایج آن در جدول (۱۱) منعکس گردید. نکات برجسته جدول مذکور عبارت‌اند از:

- همکاری‌های بین قومی بر هویت ملی (کل) و ابعاد سه‌گانه آن تأثیر مثبت و قابل‌اعتنایی دارد. این بدان معناست که با افزایش همکاری‌های بین قومی، تعلق و وفاداری افراد به اجتماع ملی (کشور) افزایش پیدا می‌کند. همکاری‌های بین قومی بر بُعد "تعلق خاطر مشترک" به



نمادهای ملی مثل: پرچم، سرود ملی، سرزمین و زبان، تأثیر بیشتری (۰/۱۲) از سایر ابعاد هویت ملی دارد.

● تعارضات بین قومی بر هویت ملی (کل) تأثیر منفی و قابل اعتنایی دارد. این بدان معناست که با افزایش تعارضات قومی، تعلق و وفاداری افراد به اجتماع ملی (کشور) کاهش پیدا می‌کند. تعارضات قومی، بُعد "وفاداری مشترک" به وطن، آیین، مردم و دولت ملی را بیشتر (۰/۰۸-) از سایر ابعاد هویت ملی تضعیف می‌کند.

● روابط بین قومی، بستگی به شرایط تحقق آن، تأثیر دوگانه دارد بدین معنی که هم می‌تواند به‌عنوان فرصتی برای یکپارچگی ملی تلقی گردد و هم یک تهدید. این روابط در شرایط مبتنی بر همکاری، تعلق و وفاداری افراد را به اجتماع ملی افزایش داده و سبب پایداری اجتماع می‌شود و در شرایط مبتنی بر تعارض و خصومت، تعلق و وفاداری افراد به اجتماع ملی را تضعیف کرده و تهدیدی برای یکپارچگی ملی محسوب می‌شود.

جدول (۱۱) تأثیر همکاری و تعارض بین قومی بر هویت ملی در نزد اقوام پنج‌گانه کشور<sup>۱</sup>

هویت ملی (کل)	ابعاد هویت ملی			متغیر وابسته
	میراث مشترک	وفاداری مشترک	تعلق خاطر مشترک	متغیر مستقل
۰/۰۹ (۰/۱۰۰۰)	۰/۰۸ (۰/۱۰۰۰)	۰/۰۴ (۰/۱۰۱۲)	۰/۱۲ (۰/۱۰۰۰)	همکاری بین قومی
۳۳۷۷	۳۴۶۴	۳۴۹۲	۳۴۸۸	
-۰/۰۶ (۰/۱۰۰۰)	*	-۰/۰۸ (۰/۱۰۰۰)	-۰/۰۳ (۰/۱۰۲۲)	تعارض بین قومی
۳۴۰۶		۳۵۲۳	۳۵۱۸	

۱- در جدول حاضر، در هر یک از خانه‌های جدول، عدد اول نشان دهنده "ضریب همبستگی دو متغیر (r)"، عدد دوم "سطح معناداری آماری" و عدد سوم "تعداد پاسخ معتبر" است، در خانه‌هایی که بین دو متغیر، رابطه معناداری وجود ندارد، علامت ستاره (\*) گذاشته شده است.

در جدول (۱۱) به روشنی تأثیر متفاوت همکاری‌ها و تعارضات قومی بر هویت ملی آشکار گردیده است. از روی مقدار ضریب همبستگی این دو متغیر با هویت ملی، اهمیت هر یک از این دو متغیر آشکار می‌شود، اما در عین حال اهمیت نسبی این دو متغیر وقتی به درستی مشخص می‌شود که به‌طور هم‌زمان در تحلیل هویت ملی وارد شوند. بدین منظور از روش تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. در این تحلیل، دو متغیر "همکاری بین قومی" و "تعارض بین قومی" به‌عنوان متغیرهای مستقل و هویت ملی (کل) و هر یک از ابعاد سه‌گانه آن به‌عنوان متغیر وابسته تلقی شده است. این تحلیل بر روی هویت ملی و ابعاد آن به‌طور جداگانه انجام گرفته و نتایج آن در جدول (۱۲) منعکس شده است. در این جدول اهمیت نسبی هر یک از دو متغیر مستقل (همکاری و تعارض قومی) با استفاده از شاخص ضریب استاندارد رگرسیون ( $\beta$ ) روشن شده است. این ضریب نشان می‌دهد که تأثیر نسبی همکاری و تعارض بین قومی بر هویت ملی و ابعاد سه‌گانه آن چقدر است. ذیلاً به نکات برجسته جدول (۱۲) اشاره می‌گردد:

- در هر چهار معادله رگرسیون، تأثیر نسبی ( $\beta$ ) همکاری‌های بین قومی بالاتر از تعارضات بین قومی است و این تأثیرگذاری نیز از لحاظ آماری کاملاً معنادار ( $\text{sig} \leq 0/05$ ) است. همکاری‌های بین قومی علاوه بر اینکه تأثیر مثبت و کاملاً معناداری ( $\beta = 0/11$ ) بر هویت (کل) دارد، به‌عد "تعلق خاطر مشترک به نمادهای ملی" را بیش از دو بُعد دیگر هویت ملی، تحت تأثیر قرار می‌دهد.

- در هر چهار معادله رگرسیون، تأثیر نسبی ( $\beta$ ) تعارضات بین قومی منفی است و در سه معادله، این تأثیرگذاری از لحاظ آماری کاملاً معنادار ( $\text{Sig} \leq 0/05$ ) است. تعارضات بین قومی، بُعد "وفاداری مشترک به وطن، آیین، مردم و دولت ملی" را بیش از دو بُعد دیگر هویت ملی تضعیف ( $\beta = -0/10$ ) می‌کند.

- مقدار ضریب استاندارد رگرسیون ( $\beta$ ) مشخص می‌کند که به ازای هر واحد تغییر در متغیر مستقل (همکاری یا تعارض بین قومی)، چه مقدار تغییر در متغیر وابسته (تعلق خاطر مشترک، وفاداری مشترک، میراث مشترک و هویت ملی (کل) ایجاد می‌شود. مثلاً مقدار  $\beta$  در معادله (۱) که برابر با  $0/13$  است؛ بدین معناست که به ازای یک واحد افزایش در میزان همکاری‌های بین قومی،  $0/13$  افزایش در تعلق خاطر افراد به نمادهای ملی ایجاد می‌شود و لذا هرچه مقدار ضریب استاندارد ( $\beta$ ) بیشتر باشد، حاکی از اثرگذاری بیشتر آن است.

در پایان این نکته را یادآور می‌شود که در این مقاله تحلیل هویت ملی، تنها براساس آگاهی از دو متغیر یعنی همکاری و تعارض بین قومی انجام گرفته است. بدیهی است عوامل متعدد دیگری نیز بر روی هویت ملی افراد تأثیر می‌گذارند که استفاده از آنها امکان شناخت بیشتری را از هویت ملی فراهم می‌کند، اما بررسی تأثیر این دسته از عوامل بر هویت ملی از موضوع بحث مقاله خارج بوده است.

### جدول (۱۲) تأثیر نسبی همکاری و تعارض بین قومی بر تغییر هویت ملی

#### در نزد اقوام پنج‌گانه کشور

ردیف	تأثیر نسبی ( $\beta$ ) متغیر در معادلات رگرسیون چند متغیره (۱)				متغیرهای وابسته
	هویت ملی (کل) (معادله ۴)	میراث مشترک (معادله ۳)	وفاداری مشترک (معادله ۲)	تعلق خاطر مشترک (معادله ۱)	متغیرهای مستقل
۱	۰/۱۱	۰/۰۹	۰/۰۶	۰/۱۳	همکاری بین قومی
۲	-۰/۰۸	-۰/۰۲	-۰/۱۰	-۰/۰۶	تعارض بین قومی

#### ۴- نتیجه‌گیری

مقاله حاضر مبتنی بر تحلیل ثانویه داده‌های یک پیمایش ملی در ایران است. در این مقاله کم‌وکیف روابط بین قومی و هم‌چنین هویت ملی اقوام پنج‌گانه کشور یعنی آذری، بلوچ، فارس، گُرد و لُر تشریح و سپس ارتباط این دو خصوصیت در نزد اقوام مذکور مورد تحلیل قرار گرفت. عمده‌ترین دستاوردهای توصیفی و تحلیلی مقاله حاضر عبارت بودند از:

- تعلق و وفاداری اقوام پنج‌گانه به عناصر مهم هویت ملی مثل: دین و آیین، مردم، مفاخر فرهنگی و سرزمین بالا و امتیاز آن به روی یک مقیاس ۰ تا ۱۰۰، بالاتر از ۷۵ است.
- تعلق و وفاداری اقوام به عناصر فرهنگی هویت ملی مثل اعیاد و مناسک دینی بالاتر از عناصر سیاسی مثل دولت است.
- هویت ملی دارای سه بُعد اساسی است که عبارت‌اند از: "تعلق خاطر مشترک به نمادهای

ملی مثل: پرچم، سرزمین، سرود و زبان ملی، "وفاداری مشترک به وطن، دین، مردم و دولت ملی"، و "میراث مشترک فرهنگی و تاریخی". هویت ملی در هر سه بُعد مذکور و در کل در بین اقوام پنج‌گانه کشور بالاست. امتیاز هویت ملی اقوام بر روی یک مقیاس ۰ تا ۱۰۰ در بین همه اقوام بالاتر از ۸۰ است که حاکی از وفاداری زیاد اقوام به اجتماع ملی است.

● در بین اقوام پنج‌گانه، ابراز علاقه و وفاداری بلوچ‌ها و لرها به عناصر هویت ملی بیش از اقوام فارس، کرد و آذری است. بین لرها و بلوچ از لحاظ هویت ملی تفاوت معناداری وجود ندارد. از طرف دیگر فارس‌ها و آذری‌ها بیشترین شباهت را با یکدیگر دارند.

● تراکم روابط بین قومی در چهار حوزه اقتصادی (معیشتی)، سیاسی (تعارضی)، فرهنگی (فکری) و اجتماعی (عاطفی) به‌طور کلی پایین است. اما در این میان، رابطه‌های عاطفی اقوام با یکدیگر در مجموع بیش از روابط فکری، معیشتی و تعارضی است.

● در هر چهار حوزه از روابط بین قومی، فارس‌ها بیشترین گیرندگی رابطه و کمترین فرستندگی رابطه را دارند. یعنی رابطه سایر اقوام با فارس‌ها به مراتب بیش از رابطه فارس‌ها با سایر اقوام است. بلوچ‌ها در نقطه مقابل فارس قرار می‌گیرند؛ یعنی بیشترین فرستندگی رابطه و کمترین گیرندگی رابطه را دارند.

● در هر چهار حوزه از روابط بین قومی، روابط شدیداً نامتقارن است. یعنی گیرندگی و فرستندگی روابط اقوام تناسبی با یکدیگر ندارد. در این میان، کمترین قرینگی در روابط قوم فارس با سایر اقوام به‌ویژه با بلوچ‌ها دیده می‌شود.

● روابط مبتنی بر همکاری در بین اقوام بر روابط مبتنی بر تعارض و خصومت کاملاً چیرگی دارد. در این میان دو قوم فارس و کرد استعداد بیشتری در پیوند یا گسست روابط قومی دارند. یعنی این دو قوم از حیث کم و کیف روابطشان با سایر اقوام، هم پتانسیل انسجامی دارند و هم پتانسیل تعارض و گسست.

● روابط مبتنی بر همکاری اقوام تأثیر کاملاً مثبت و معناداری بر میزان تعلق و وفاداری افراد به اجتماع ملی دارد. یعنی با افزایش همکاری بین قومی، هویت ملی اقوام تقویت می‌شود و در مقابل روابط قومی مبتنی بر تعارض و خصومت، تعلق و وفاداری اقوام را به اجتماع تضعیف می‌کند.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت پایداری و فراگیری اجتماع ملی در جامعه چند قومی ایران از یک سو متکی به مناسبات دولت ملی (نظام جمهوری اسلامی ایران) با اقوام کشور و از سوی دیگر متکی بر کم‌وکیف روابط اقوام با یکدیگر است. از منظر اخیر افزایش تراکم و قرینگی روابط میان اقوام به‌ویژه در سه حوزه تعاملی اقتصاد، فرهنگ و اجتماع از یک سو می‌تواند سبب فراگیری اجتماع ملی شود و همه اقوام را در عضویت اجتماع ملی قرار دهد و از سوی دیگر با تعمیق تعلقات و وفاداری‌های اقوام به اجتماع ملی، ثبات و پایداری اجتماع ملی را تضمین نماید. اصلاح مناسبات بین قومی یا افزایش تراکم و قرینگی روابط اقوام با یکدیگر، اساسی‌ترین گام اجتماعی برای تضمین یکپارچگی ملی است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

### منابع و یادداشت‌ها:

- ۱- پیمایش مذکور با حمایت وزارت کشور و با مسئولیت آقای دکتر مسعود چلبی و همکاری نگارنده مقاله انجام گرفته و تفصیل نتایج آن در سه جلد تنظیم گردیده و در اختیار دفتر امور اجتماعی وزارتخانه مذکور قرار گرفته است.
- ۲- مسعود چلبی و همکاران، هویت‌های قومی و رابطه آن با هویت ملی در ایران، تهران، دفتر امور اجتماعی وزارت کشور، ۱۳۷۸، ص ۱۴۱.
- ۳- برای آشنایی بیشتر با مفهوم رابطه اجتماعی و ویژگی‌های آن رجوع شود به: مسعود چلبی، جامعه‌شناسی نظم (تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی)، تهران، نشر نی، ۱۳۷۵.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی